

قیام قلم

غلامرضا نعمتی خوئی

سرشناسه: نعمتی خوئی، غلامرضا، ۱۳۳۰-
 عنوان و نام پدیدآورنده: قیام قلم / مؤلف غلامرضا نعمتی خوئی.
 مشخصات نشر، سام آرام ۱۳۹۹
 مشخصات ظاهری: ۱۲۱ ص
 شابک: ۳۵۰۰۰۰ ریال / ۴-۷-۹۶۴۰۰-۶۲۲-۹۷۸
 وضعیت فهرست نویسی: فیبا
 موضوع: شعر فارسی -- قرن ۱۴
 موضوع: Persian poetry -- 20th century
 رده بندی کنگره: PIR ۸۳۶۲
 رده بندی دیویی: ۸۶۲ / ۱ فا
 شماره کتابشناسی ملی: ۷۵۷۲۳۱۵



شناسنامه کتاب

نام کتاب: قیام قلم
 مؤلف: غلامرضا نعمتی خوئی
 انتشارات: سام آرام
 سال و نوبت چاپ: اول / ۱۴۰۰
 ویرایش: لیتوگرافی سینا
 چاپخانه: سرمدی
 شمارگان: ۱۰۰۰
 قیمت: ۳۵۰۰۰۰ ریال
 شابک: ۴-۷-۹۶۴۰۰-۶۲۲-۹۷۸

آدرس ایمیل شاعر: gholamrezanemati.official@gmail.com

فهرست مطالب

- می خواره ای حریفم و از پا افتاده‌ام (جان بی قرار)..... ۱۰
- زخمم مزین به خنجر مژگان خم زده (دنایای سم زده)..... ۱۱
- تا تجلی کندم راز رخ زیبایی (ره شیدایی)..... ۱۲
- کنون که آتش و بادم فتاده بر خرمن (حدیث زندگی)..... ۱۳
- بس کشیدم به جهان بار غمت پیر شدم (تابش رخسار)..... ۱۴
- کردم فدای مستی چشمت جوانیم (فرصت پرواز)..... ۱۵
- تا طی شود ز جور غمت روزگار دل (روزگار دل)..... ۱۶
- بزم می و حضور نگار و نوای تار (قد قامت بهار)..... ۱۷
- جرتی بایدت ای دل که به فقر قلمی (فقر قلم)..... ۱۹
- موج لبخند تو غارتگر افکار من است (موج لبخند)..... ۲۰
- پیوسته ز رندی و نظربازی و مستی (لذت مستی)..... ۲۱
- من مست می نابم و از دغدغه دورم (مرکب مور)..... ۲۲
- ای که چشم سیهت رخنه کند در دل ما (حرف ثواب)..... ۲۳
- نتوان از ره بیراهه به میخانه شدن (مخرطه ی شانه شدن)..... ۲۴
- بده جامی دگر از آن می گلنار مرا (بادهی گلنار)..... ۲۵
- پشت هر پنجره ای جام دلی پر ز غم است (شدت عشق)..... ۲۶
- ای خوش آن لحظه که از عشق تو دیوانه شوم (گل پیمانه)..... ۲۷
- کنون که خون دل از دیده می شود جاری (حراج خنده)..... ۲۸
- شعله شعله آتش و سیلاب بارانم هنوز (آه طوفان)..... ۲۹
- روشن شود به یاد رخت شام تار من (آموزگار من)..... ۳۰
- جایی به جز از گوشه ی میخانه ندارم (نقش رخ یار)..... ۳۲

- ۳۳..... فتنه‌انگیزتر از چشم تو پیدا نشود (فتنه‌انگیز).
- ۳۴..... یاد رخسار تو هر گاه کندم جلوه‌گری (تو که دیوانه‌تری).
- ۳۵..... طالب هجرتم و راه سفر نیست مرا (مرغ سحر).
- ۳۶..... تا شود نام خوست ورد زبانم همه شب (همه شب).
- ۳۷..... زان زمانی که شدم در خم زلف تو اسیر (شاه و وزیر).
- ۳۸..... در حضورت لرزشم افتد به آهنگ سلام (پرتو عشق).
- ۳۹..... تاب گیسوی تو را دیدم و بی تاب شدم (تاج سر مهتاب).
- ۴۰..... جلد آن نافه‌ی گیسوی تو دلدار شدم (سُنبُل دُوآر).
- ۴۱..... دخترم رونق گرفت بی دل و جان منی (سنگ صبور).
- ۴۲..... دل بر آن قامت موزون تو بس هدف است (هدف).
- ۴۳..... دیدی ای دل که به یک لحظه گرفتار شدم؟ (با خبر از بی خبری).
- ۴۴..... کی خوش بُود آزادگی و عالم مستی؟ (مرغ بهشتی).
- ۴۵..... در ره سیر و سفر بودم و خوابم کردی (مسافر).
- ۴۶..... هر دم رسد از سوز جگر بوی کبابم (بوی کبابم).
- ۴۷..... سینه پردرد و شبی همراه بوران آمدم (آه پنهان).
- ۴۸..... بخر این بنده و از بند غم آزادم کن (مجلس انس).
- ۴۹..... از چین سر زلف تو گویم سخنی چند (تیر خلاص).
- ۵۰..... به جانم آتش عشقت نمودی شعله ورامشب (شب هجران).
- ۵۱..... هر شب زخم صراحی و حاشا نمی‌کنم (حجله‌ی گل).
- ۵۲..... خواهم به یمن باده تمنا کنم تو را (ماه دلشین).
- ۵۳..... ز هجر روی تو چون ذره گر برد بادم (نمی‌کنی یادم).
- ۵۴..... گر بخت نگون گشته شود یار و مددکار (صد قافله دل).

- ۵۵..... دل نخواهد جز دوصد دریای می (دریای می).....
- ۵۶..... گلِ رویت شبی در خواب دیدم (جلوه‌ی مهتاب).....
- ۵۷..... خمارم بی رمق زین جام هستی (جام هستی).....
- ۵۸..... سرودی می سرایم شاعرانه (عشق ناکام).....
- ۵۹..... دردا که نمازم همه در راه ریا شد (دایره‌ی وحشت).....
- ۶۰..... پاسی از شب بر آوردم و خوابم نرسید (توطئه‌ی بی هنران).....
- ۶۱..... می من گشته تمام و نتوانم قدمی (جام جم).....
- ۶۲..... من مست می و لعل لب و چشم خمارم (توسن ایام).....
- ۶۳..... تا لبی تازه کنم از لب جامت همه شب (عطر کلام).....
- ۶۴..... ای دریغا که چه سرگشته و سربار شدم (عقل‌لبان سخن).....
- ۶۵..... ای دل مسوز که سوزش دلها ثمر نداشت (تیغ ملامت).....
- ۶۶..... ای که دریای نگاه تو پر از موج غرور (مرکب ابله‌ی).....
- ۶۷..... خفته بر خاک سیاه پای گل نسرینی (طوطی خوش سخن).....
- ۶۸..... ای آتش عشقت گل صحرای وجودم (همه‌ی بود و نبودم).....
- ۶۹..... جانا حدیث غصّه به نامحرمان مگو (حجله‌ی سبو).....
- ۷۰..... چون خوی نبود دهکده‌ای در همه عالم (گلشن خوبان).....
- ۷۱..... گلپانگ سخن از لب خشکیده جدا شد (کوره‌ی آجر پزی).....
- ۷۲..... سرودی می سرایم یادگاری (بام ایران).....
- ۷۳..... لشکر غم ننهد تا که بیاید نفسی (لشکر غم).....
- ۷۴..... ای دل زغم به باده مداوا کنم تو را (طالع میمون).....
- ۷۵..... نوبهار آمد و دل در ره سیر و سفر است (بهار گنج پنهان).....
- ۷۷..... نه عجب گر که گلی همچو تو پیدا نشود (گل پیوسته بهار).....

- ۷۸..... به دل زلاله ی هجرت کنم نگهداری (حواله ی گندم)
- ۷۹..... بده پیمانه به آهی و دگر هیچ مخواه (مستی و بی خبری)
- ۸۰..... دلم تنگ و وجودم بی قراره (غم عشق)
- ۸۱..... حلول عید و هنگام بهاره (نسیم بختیاری)
- ۸۲..... گه جو آهن در تنور کوره تفتانم کنی (سفرنامه)
- ۸۳..... قید زیبا شدن خاطره ها را بزخم (دروازه ی فردا)
- ۸۴..... عمری بفکر چاره بسوزم بسان عود (فکر چاره)
- ۸۵..... ای دریغا که گلستان ادب پرپر شد (قیام قلم)
- ۸۷..... بلا و جور حوادث را این میان با من (عشق بی تردید)
- ۸۸..... بیا که فصل خزانم شد و مرا هم ده (لب میگون)
- ۸۹..... منعم مکن که بر رخ ماهت نظر کنم (قدرت عشق)
- ۹۰..... ای دریغا که عزاداری حاج مختار است (پهلوانی که مراسم ...)
- ۹۲..... مرا به پرتوی رویت چه روزگاری بود (خواب و رؤیا)
- ۹۳..... خواهم امشب که سر غصه به سندان بزخم (نقش جان)
- ۹۴..... اسیر گردش چشم تو سرو آزادم (سایه های دلنگی)
- ۹۵..... بیا با هم بسازیم انجمن را (وحدت)
- ۹۶..... در غمت ای گل زیبا همه شب تا به سحر (محرم دل)
- ۹۷..... چشم شهلای تو گر این همه زیبا نشود (اوراق جنون)
- ۹۸..... بیا که لرزش پیری نموده آوارم (ضیافت پیری)
- ۱۰۰..... بی می و پیمانه مستم کس نمی داند چرا (کس نمی داند چرا)
- ۱۰۱..... عاشق تر از آنم که نمی رم ز غم یار (یک ثانیه دیدار)
- ۱۰۲..... تا شودم جلوه گر آن رخ زیبای تو (روح غزل)